

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

سال اول

فروردین ۱۳۵۸
هفته اول

به جمهوری اسلامی رأی دهید



تظاهرات عظیم یکشنبه

در روز ۵ فروردین راه پیمائی عظیمی از مردم تهران بمنظور دفاع از امر عادلانه خلق فلسطین و محکوم نمودن قرارداد خیانت با رسادات - بگین انجام گردید .

راه پیمائی در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر از محل میدان شهدا آغاز شد و با ایراد سخنرانی در مقابل سفارت مصر توسط یک روحانی مبارز، نماز پندیده سا زمان آزادیبخش فلسطین و حضرت آیت الله علامه نسوری در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر به پایان رسید . مردان و زنان مبارز شهر تهران ، با دادن شعارهای انقلابی و حمل شعارهایی در افساء و محکوم نمودن دوا بر قدرت و عمال آنان . فضای انقلابی به شهر تهران بخشیدند و قرارداد "ملح" را محکوم کرده و عزم راسخ خود را در دفاع از ملت فلسطین ابراز داشتند . در زیر

چندین شعار از دهها شعار راه پیمائی را درج میکنیم :

- * مرگ بربرزنف ! مرگ بر تره کی ! مرگ بر رسادات ! مرگ بر رسادات ، بگین ، کارتو !
- * فلسطین ، فلسطین ، فلسطین
- * فلسطین ما با ما هم متحد میشویم تا برکنیم ریشه صهیونیسم .
- * افغان ، افغان ، افغان ، ای افغان - ما با ما هم متحد میشویم تا برکنیم ریشه شوروی .
- * ایران ، ایران ، ایران ، ای ایران - ما با ما هم متحد میشویم تا برکنیم ریشه استعمار .
- * فلسطین پیروز است صهیونیسم نابود است !
- * این کارتربگانه ، از خاور میانه ، اخراج باید گردد ! این بگین بگانه ، از خاور میانه - اخراج باید گردد ! این رسادات بگانه ، از خاور میانه اخراج باید گردد !
- * آریتره ، فلسطین ، متحد خلق ما

وحدت بزرگ خلق

آیا امروز میتوان انکار کرد که فروریختن کاخهای استبدادی رژیم طاغوتی شاهنشاهی در سایه وحدت کلمه و وحدت عمل میلیونها نفر از مردم میهنمان بوده است ؟

آیا ضربه سختی که بر پیکر غارتگران امپریالیست و بویژه امپریالیسم آمریکا و نفوذ و مداخلات آن در ایران وارد آمد در اثر جنبش یکپارچه ی مردم ما و نیروهای سیاسی فدا میریالیست نبود ؟

رمز این وحدت و پیروزی در کجا بود ؟ مسلما " در عادلانه بودن مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی مردم ما .

امر عادلانه همیشه از پشتیبانی اکثریت توده های مردم بر خوردار است و تعمیق این مبارزات حق طلبانه و ادامه ی انقلاب بخاطر تامین استقلال همه جانبه ی کشور ، آزادی و عدالت اجتماعی نیز به عدالت عادلانه بودن این خواستها مورد پشتیبانی اکثریت خلق خواهد بود . بنا بر این باید محتوای اساسی جمهوری آینده ی کشور ما را نیز صرف نظر از هر مفتی که بدنبال کلمه ی جمهوری بیاید ، همین سه اصل بزرگ خلق تشکیل دهد .

آیا چیز نا روشنی در توضیح این سه اصل بزرگ خلق وجود دارد ؟
بقیه در صفحه ۲

در کردستان چه میگذرد ؟

زاده بخاطر پاسداری از شهر ، مهمات و فشنگ مورد نیاز خود را از فرمانده پادگان که زیر نظر کمیته صفدری - اداره میگردد ، تقاضا میکند که با جواب منفی روبرو میگردد . به موازات این مسئله ، شایعاتی مبنی بر تخلیه و انتقال غله از سیلوی سنندج به مناطق دیگر در شهر پخش میگردد که مردم را عصبانی میکند . عده ای که در مقر استانداری ، بنا به اشاره آقای مفتی زاده ، بعنوان اعتراض به عدم تحویل اسلحه بست نشده بودند ، در اثر این شایعات و فعلوا تفعالات و یک تیراندازی - مشکوک و شهادت یک نفر ، مردم بسوی پادگان میروند و درخواست اسلحه مینمایند . در جریان این حرکت چند نفر دیگر زخمی و شهید میگرددند و مردم

کردستان ایران در تب و تاب ادامه ی انقلاب میسوزد . انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به گفته ی خود امام ، در آستانه ی پیروزی است و هنوز راهی طولانی در پیش دارد . انقلاب در کردستان نیز در آغاز راه خود قرار دارد و با توجه به وجود مسئله ی ستم ملی ، بفرنج تر است . در زیر میکوشیم با تشریح - جسته ترین و قاطعانه ی که به هفته خونین سنندج منجر شد ، وضع فوق را منعکس کنیم .

در سنندج پس از پیروزی انقلاب دو کمیته ایجاد شدند ، یکی از آنها بر رهبری آقای مفتی زاده و دومی بر رهبری صفدری که اوضاع اداری و نظامی شهر را کنترل مینمودند . در هفته ی آخر سال کمیته آقای مفتی

اعتلای جنبش مقاومت ملی افغانستان

مبارزات دلورانه ی خلقهای افغانستان شتابی تازه و گسترشی نوین یافته است . در برابر اعتلای عظیم این مبارزات ، رژیم وابسته تره کی نیز برای حفظ حکومت دست نشانده ی خود به سرکوب ، اسارت

دیده شده و بدست عده ای از افسران تربیت شده ی شوروی به انجام رسید . امپریالیست های شوروی که قبلا " خود کودتای داود خان علیه محمد ظاهر شاه را تأیید و قبل از هر

ادامه توطئه گری
امپریالیسم آمریکا
امپریالیسم آمریکا که در اثر انقلاب ایران ضربه خورده در حال

دخالت های آشکار امپریالیسم روسیه
بقرار اطلاعاتی که بدست ما رسیده است ، چهار هزار تن از مهاجرین ایرانی که مدتی پیش از سی سال در شوروی بسر میبردند ، بدون روا -

ایرانی که مدتی پیش از سی سال در شوروی بسر میبردند، بدون رو- دید از مرز جلفا وارد آذربایجان شده اند. این جریان کماکان ادامه دارد. اکثر آنها مسلح بوده و از طرفداران فرقه دمکرات سابق اند که به دارودسته‌ی وابسته به شوروی کمیته مرکزی حزب توده پیوسته اند. در میان این عده بعضی ها آشکارا بِنفع سازمان جاسوسی روس ها "ک. گ. ب." در منطقه‌ی آذربایجان مشغول فعالیت اند. آنها همراه با ماورین مخفی روس ها برای جلب عناصر متزلزل در ارتش مشغول میباشند. این امر آنقدر گستاخانه و بیشرمانه انجام میگیرد که اخیرا کنسول روسیه در تبریز بیکی از افسران بازنشسته‌ی ساواک رجوع نموده و رسماً پیشنهاد همکاری نموده است.

در مناطق دشت مغان، ارسباران و مناطق مرزی فعالیت‌های روس ها و طرفداران آنها بطور بارزی چشم میخورد. از آن جمله در حوالی مسیر قطار ایران - شوروی که بطور مرتب از واگن‌هایی که از شوروی میآیند محمولاتی حاوی نشریات و اسلحه بیرون ریخته میشود و طبق قرارهای قبلی عده‌ای بجمع آوری آنها میپردازند. این امر تا بدانجا میروید که یکسری از کارمندان روسی موسسات مشترک ایران - شوروی به پخش نشریات حزب توده مبادرت میورزند. در بعضی نشریات که عوامل روسیه در آذربایجان پخش کرده اند نداهایی مانند "متصل شدن دو تکه جدا از هم آذربایجان" بگوش میرسد. بقیه در صفحه ۳

انقلاب ایران ضربه خورده در حال توطئه چینی بوده و برای بقدرت رسیدن مجدد در میهنمان فعالیت گسترده‌ای را به پیش میبرد. دست این امپریالیسم خونخوار که بیست و پنج سال در کشور ما بزرگترین قدرت حامی شاه خائن و دولتهای دست نشانده اش بود، هنوز کاملاً قطع نشده و عدم مبارزه قاطع با آن موجب تضعیف انقلاب خواهد شد. نمونه‌های مختلفی در سطح جهان و بویژه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین وجود داشته و مؤید این واقعیت است که در اثر عدم هشاری نیروهای انقلابی، امپریالیسم آمریکا توانسته سلطه‌ی خود را مجدداً برقرار سازد. بقیه در صفحه ۳

نشانده‌ی خود به سرکوب، اسارت و کشتار وسیع مبارزین افغانسی پرداخته است. اتهامات بی اساس به دولت موقت و انقلاب اسلامی ایران از طرف رژیم تره کی، همراه با تحریکات اخیر آن علیه ایران و اخراج کارداران ایران در هرات، نشان می دهد که رژیم وابسته افغانستان نه تنها در برابر جنبش انقلابی توده‌های خلق در داخل کشورش به تشدید کشتار و دستگیری پناه برده است، بلکه بر علیه نیروهای مترقی منطقه و از جمله انقلاب اسلامی ایران نیز عمل میکند. رژیم تره کی در اردیبهشت ۱۳۵۶ بایک کودتای نظامی علیه حکومت داودخان سرکار آمد. کودتایی که از طرف روسها تدارک

محمداً هر شاه را تا شید و قبل از هسر کس به رژیم او خوش آمد گفته بودند فوراً "دولت او را بر سمیت شناخته و حتی به رژیم داودخان لقب "جمهوری انقلابی خلق افغانستان" داده بودند، کودتای تره کی را "نقطه عطف تاریخ جنبش افغانستان" اعلام کردند و بر ژرف و کاسرکین هم شفاً به کودتاچیان جدید - پیروزی را تبریک گفتند. از مدتها قبل از کودتای روسی تره کی، ابر قدرت شوروی شریانیهای حیات افغانستان را بخود وابسته نموده و اقتصاد این کشور را کنترل میکرد. بیش از ۷۰ درصد تولیدات صنایع افغانستان به شکل های مختلف تحت نفوذ و کنترل امپریالیسم شوروی بود. بقیه در صفحه ۲

☆ ☆ ☆ اعلامیه ☆ ☆ ☆

مردم تهران و دیگر شهرستانها در تظاهرات با شکوه خود، امروز بیمان ملح جداگانه‌ی مصر و اسرائیل را با شدت محکوم کردند. سازمان ما وفا - دار به موضع راستین خود در دفاع از حقوق مردم عرب بویژه حق ملی خلق قهرمان فلسطین قاطعانه این بیمان با اصطلاح ملح جداگانه را محکوم میکند.

هر بیمان ملحی چه جداگانه و یا همگانی که به ایتکار ابر قدرت‌ها وزیر چتر آنها منعقد گردد - جال از طرف آمریکا با شدت و از طرف روسیه نمیتواند به امر عادلانه‌ی خلق فلسطین جواب مثبت دهد. ابر قدرت‌ها تلاش دارند در رقابت با یکدیگر میان خلقهای عرب نفاق و دودستگی ایجاد نمایند و با بهم زدن وحدت اعراب از آب گل آلود ماهی بگیرند. آنها بهیچوجه دلشان بحال مردم عرب و خلق فلسطین نسوخته است.

امروز آمریکا مبتکر ملحی بین مصر و اسرائیل شده است. دیروز روسیه میخواست در زیر پرانم کنفرانس ژنو با ریاست مشترک آمریکا و خودش ملحی را به مردم عرب و فلسطین تحمیل نماید. هنگامیکه آنها بتوانند منافع مشترک خود را تامین کنند با هم تباخی نموده و مشترکاً توطئه - چینی مینمایند. البته در این تباخی با زهم هدف تمام کردن کار بسود خود را دنبال میکنند. هنگامیکه جایی برای تباخی موقتی باقی نمی ماند، علناً به رقابت با هم پرداخته، تلاش میکنند خلقهای عرب را به زیر چتر خود و منطقه‌ی نفوذ خود در آورند.

در اوضاع کنونی که سادات و بگین مشترکاً ریر چتر آمریکا علیه فلسطین و دیگر خلقهای عرب توطئه چیده اند، چنانچه خلقهای عرب هوشیارانه عمل ننمایند، امپریالیسم روس که چهره‌ی کریم خود را با نقاب "دوست" خلقهای عرب پوشانده است، میتواند سوء استفاده نموده و چتر خود را برای آنها باز کند.

استقلال و آزادی خلقهای عرب و کسب حقوق حقه ملی خلق فلسطین، تنها و تنها در مبارزه و آنهم در مبارزه علیه امپریالیسم بویژه آمریکا و روس و صهیونیسم بدست میآید.

سازمان ما در این موقع حساس همچنان در کنار خلق قهرمان فلسطین و دیگر خلقهای عرب ایستاده و همدوش آنها برای رهایی فلسطین - مبارزه ادامه خواهد داد.

سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۱/۵

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان

یازدهم اردیبهشت، چهارم جمادی الاخر، مطابق با اول ماه مه و مصادف با روز همبستگی بین المللی کارگران جهان است. این روز تاریخی و بزرگ برای تمام کارگران و زحمتکشان جهان عزیز و گرامی است. روزی است که کارگران جهان با نمایشات و جلسات مختلف، همبستگی و اراده‌ی آهنین خود را برای مبارزه تا نابودی کامل امپریالیسم ابراز میدارند.

اول ماه مه امسال در میهن ما، در شرایطی پیش میآید که رژیم طاغوتی شاهنشاهی بوسیله انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی سرنگون شده است و میهن سرشار از شور و شوق توده‌های خلق ملیت‌های مختلف است. انقلاب دستاوردهای مهمی را کسب کرده است، اما همانطور که امام خمینی گفته اند باید ادامه یابد و ما به پیروزی کامل دست نیافته‌ایم. پیروزی کامل، ریشه کن کردن امپریالیسم و اعمال آن از کشور و بدست آوردن استقلال کامل ملی، آزادی برای خلق و تامین عدالت اجتماعی برای زحمتکشان است و در این میان مبارزه با امپریالیسم در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد. امری که کارگران آگاه و واقعاً پیشرو آنرا خوب درک میکنند. امری که پیش شرط انجام موفقیت آمیزش، تقویت وحدت کلمه و عمل میان خلق بویژه زحمتکشان و کارگران میهن است. وحدت کلمه و عمل جهت ادامه‌ی مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی شعار مرکزی کارگران میهن است.

- سازمان ما برای برگزاری شکوهمند اول ماه مه امسال، شعارهای زیر را تعیین کرده است:
- ۱- درود بر خمینی رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران.
 - ۲- نه آمریکا، نه روسیه، نه ایرانی مستقل و متکی بخود.
 - ۳- تامین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در گرو مبارزه علیه امپریالیستهای آمریکا و روس و اعمال آنهاست.
 - ۴- در ادامه‌ی انقلاب، توطئه‌های عمال رژیم سابق را با زهم بیشتر درهم شکنیم.
 - ۵- مبارزه علیه کمیته مرکزی حزب توده، عامل شوروی را متحدان تا به آخر به پیش بریم.
 - ۶- مزدهای پرداخت نشده و سود بویژه باید فوراً به کارگران داده شود.
 - ۷- کارگران اخراجی باید بسرکار بازگردند.
 - ۸- کار برای همه!
 - ۹- کارگران، متشکل شوید و سندیکا‌های مستقل خود را بوجود آورید.
 - ۱۰- زنده باد طبقه‌ی کارگر قهرمان ایران، ستون استوار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!
 - ۱۱- تامین حقوق ملیتها، استقلال ایران و وحدت ملی را تحکیم میکند.
 - ۱۲- کارگران ملیتها را متحد شوید!
 - ۱۳- وحدت کارگران و دهقانان اساس وحدت بزرگ خلق است.
 - ۱۴- کارگران ایران، با کلیه طبقات و اقشار ضدا امپریالیست متحد شوید!
 - ۱۵- جاودان باد خاطره‌ی کارگران شهید!

بقیه در صفحه ۳

بقیه کردستان

برای بر حملات و تیراندازیهای مداوم از جانب پادگان مقاومت میکنند. این درگیری که بمدت سه روز تا اول فروردین ادامه دارد، چندمدتفسر شهید و زخمی میشوند.

در هنگام شروع تیراندازی از جانب پادگان بسوی مردم، سرهنگ صفری، فرمانده پادگان، در خارج از پادگان و در شهریورده و از نیروهای دمکراتیک شهردعوت کرد که در مورد اداره شهر با او مشورت کنند. نیروهای سیاسی به این دعوت او پاسخ مثبت داده و موافقت میکنند که همراه فرماندهان واحدها مذاکره و به اوضاع بحرانی شهر با این بخشند. مضمون این موافقتنامه تلفنی به سرگروهانهای پادگان ابلاغ گردید ولی آنان تحت تاثیر تبلیغات زهرآگین دشمن در داخل و خارج پادگان، این پیشنهادات را قبول نکردند و به دستور آتش بس هم که چند ساعت پس از این تلفن از طرف فرمانده لشکر داده شد و قسمی نگذاشتند و در نتیجه یک جنگ و خونریزی ناخواسته به مردم سنندج تحمیل گردید.

در چنین وضعی نیروهای سیاسی شهر با طرحوا بگوئی به خواستهای مردم و هدایت آنها، اقدام به تشکیل یک شورای موقت انقلاب سنندج مینمایند. این شورا توانست تا حد زیادی مردم مسلح را متشکل و در برابر اخلالگریها و تحریکات مثنی عوامل مخرب رژیم سابق و دیگر دشمنان خلق در درون پادگان و در بیرون، وضع را سر و سامان بخشد، خواستهای مردم را تعیین نموده و بمثل یک مرکز موقت فرماندهی عمل نماید.

اما در این مدت کشتار مردم در زیر بار مسلسلهای پادگان ادامه داشت و عناصر ضد خلقی مستقر در پادگان حتی برای کشتار و خراب کردن خانههای مردم از خمپاره انداز استفاده کردند و با هلیکوپتر از هوا مردم را به زیر آتش گرفتند. اینها عناصر ضد خلقی هستند که دستشان بخون خلق کرده آلوده است و باید سریعاً شناسائی و شدیداً مجازات گردند. هم اکنون بجز چند صد شهید

بیمارستانهای سنندج، حتی کرمانشاه و تهران نیز مملو از افراد زخمی این واقعه است و بیش از ۱۵۰ نفر نیز از جانب پادگان شهردستگیر شده اند. بالاخره پس از آمدن هیات اعزامی از تهران در دو

"شورای موقت انقلاب سنندج" در میدان آزادی برگزار گردیده بود شروع سخنرانی نمود. متأسفانه این اجتماع با تحریکات عدهای - افراد فرصت طلب و بی مسئولیت که رابطهای هم با جنبش انقلابی خلق کردند نداشته و ندارند، دچار اشکال گردید. روز بعد در اجتماع دیگری در مسجد جامع که به دعوت آقای مفتی زاده برگزار شد، آیت الله طالقانی ضمن قبول بسیاری از درخواستهای مشخص خلق کرد، روی اهمیت وحدت خلقهای ایران تاکید کرد. روز چهارم پس از مذاکرات - مفصل آیت الله عزالدین حسینی (امام جمعه مهاباد) از روحانیون مبارز کردستان بهنگام ترک سنندج طی بیانیهای ضمن تاکید مجدد روی مسئله حق تعیین سرنوشت خلق کرد و اینکه کردها باید خود مختاری در چارچوب ایران مستقل داشته باشند، خلق کرد را به وحدت دعوت نمود. هیات نمایندگان اعزامی از تهران نیز بهنگام ترک سنندج قطعاً مصادی صادر کرد که مسأله مورد توافق و مذاکره در کردستان را - منعکس میکرد و نکات مشترک بسیاری با بیانی فوق داشت گرچه اختلافی نیز هنوز بچشم میخورد.

فعلاً یک شورای موقت ۵ نفره مرکب از دو نماینده از جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در کردستان و دو نماینده از کمیته انقلاب آقای مفتی زاده و یک نماینده منتخب آیت الله طالقانی گردیده که در ظرف یک هفته انتخابات شهر را تدارک ببینند تا با انتخاب آن شورای دائمی نما - بینندگان مردم ادارهها و مورشهر را بقمده بگیرد. بعلاوه توافق شد که موادی در اساسنامه جمهوری اسلامی در مورد حق حاکمیت ملیتهای تحت ستم گنجانده شود و علاوه بر آزادی های سیاسی و فرهنگی و به رسمیت یافتن زبان کردی در کنایه زبان فارسی و منابع اقتصادی سرزمین کردستان برای آبادانی منطقه مورد مصرف قرار گیرد و کمکهای هم از طرف حکومت مرکزی برای ترمیم عقب - ماندگیهای منتجه از حاکمیت رژیم سابق بشود.

ایجاد وحدت نظربین نیروهای استقلال طلب و جلوگیری از ادامه خصومت، یک پیروزی برای مردم ایران محسوب میشود. در عین حال این حوادث چند نکته اساسی را بر - جسته مینمایند:

با ایستها بویژه ابرقدرتهای آمریکا و شوروی، بین بقایای نظام ارباب رعیتی و عشیرتی و توده های خلق بویژه دهقانان، بین ملیت ستم - دیده که برای حق تعیین سرنوشت خود سالهاست مبارزه کرده و برتری جوشی فارس که نظام شاهنشاهی مدافع سرسخت آن بود، موجودند.

طولانی شدن جریان حل این تضادها، بجز متعدد بودن آنها، ناشی از چند عامل است که در میان آنها توطئه گری دوا بر قدرت آمریکا و روس از یک سو و کمبود در رهبری راستین توده ها، اساسی میباشند. هنوز دشمنان سرنگون شده، امپریالیسم آمریکا و بقایای رژیم شاه با تمام قوا توطئه می چینند تا بر سر قدرت برگردند. امپریالیسم روسیه بمثل سابق رقیب جهانی آمریکا تلاش میکند از آب گل آلود ما همی بگیرد، با سوء استفاده از ناآگاهی نسبت به ماهیت امپریالیستی آن و از جوانی وضع دولت جدید و با سوء استفاده از خواستهای بحق خلقهای ایران، نفوذ خود را گسترش دهد. جوانی وضع و ناآشنائی های موجود در دولت جدید عامل دیگریست که حل تضادها را به عقب می اندازد و بالاخره کمبود در رهبری راستین توده ها و تلاش های فرصت طلبان و "چپ های قلابی" در اخلال در جنبش نیز موجود است.

حوادث سنندج درس میدهد که حکومت موقت ملی باید با اقدامات بمعنی واقعی انقلابی به خواستهای مردم بویژه ملیتهای تحت ستم جواب دهد، نه در حرف بلکه در عمل. از طرف دیگر نیروهای مردمی باید بر روی اتحاد میان خود پافشاری نمایند و تضاد عمده را که بین تمام خلق و حکومت ملی از یک سو و امپریالیسم بویژه آمریکا و روسیه از سوی دیگر است بدرستی تشخیص داده و مبارزه برای حل آن را در - درجه اول قرار دهند.

ما مطمئنیم که میهن پرستان کرد هوشیاری خود را در مقابل توطئه های امپریالیستها بالا برده و با تشخیص تضادهای عمده از غیر عمده و در پیش گرفتن راه حل صحیح میان دوستان واقعی و دشمنان خود تمایز گذاشته و با تلفیق خواستهای خود با خواستهای مشترک تمام خلق های ایران علیه امپریالیسم دست در دست هم میهنان خود در سایر نقاط ایران در جهت تعمیق انقلاب

بقیه درباره سازمان... توده های زحمتکش علیه رژیم شاه بودند. قاطعانه جلوی رویزیونیستهای شوروی و کمیته مرکزی حزب توده ایستادند و این مبارزه ما علیه آنها نقطه عطفی در بریدن از حزب توده بود.

ما توانستیم با نوسازی آموزشی علمی خود و تکیه روی تلفیق اصول مارکسیسم با شرایط ایران پافشاری نموده و به مبارزه علیه الگوسازی پرداختیم. سازمان ما اولین و تنها سازمانی است که از موضع طبقه کارگر به اهمیت جنبش اسلامی به رهبری امام خمینی از همان آغاز پی برده و طی سالیان متمادی هنگامی که هنوز جنبش به عظمت و وسعت سالهای اخیر نبود از آن دفاع نموده و با آن همراهی کرد. درست بخاطر این مبارزه طولانی و این نوسازی عمیق است که امروز ما همراه میلیونها ایرانی میهن پرست، پیروزی انقلاب کنونی را به رهبری امام خمینی پیروزی خود میدانیم و قاطعانه از رهبری امام خمینی و از خواست او که کمیونیستهای هم باید به جمهوری اسلامی رای دهند، پشتیبانی می کنیم.

در زمینه مناسبات بین نیروهای بین المللی پشتیبان انقلاب ایران ما در عین داشتن سیاست اتکا به نیروی خود، عدم وابستگی و داشتن ابتکار بدست خود، بعزت ما هیت طبقه کار سازمان، طرفدار همبستگی و وحدت زحمتکشان کلیه کشورها، خلقها و ملل ستمدیده جهان بوده ایم. ما با درک پیوند فشرده ای انقلاب ایران با انقلاب کشورهای خاور میانه روی همکاری و پشتیبانی متقابل بین انقلابیون منطقه خاور میانه پافشاری کرده ایم و این امر خود به پیوند کنونی انقلابیون منطقه کمک نموده است. سازمان ما امروز در سراسر جهان بویژه در منطقه دوستان وفاداری دارد که در هنگام سختی ها در پشتیبانی و کمک با انقلاب ایران آزمایش خود را پس داده اند.

در زمینه مبارزه علیه رویزیونیسم شوروی سازمان ما پیشتاز بوده و در این مورد بیش از همه افشاکری و مبارزه نموده است. ما اولین سازمان ایرانی

فراوانی را پشت سر گذاشته ایم ما در شرایط سخت دوران تهروری خفقان مجبور بودیم کارها را چند بار از نو شروع کنیم. اما سازمان کوچک ما با نیروی بسیار کمش دارای اراده ای شکست ناپذیر بود. رفقای انقلابی ما عهد بسته بودند که درست ترین شرایط مقاومت نمایند و اگر روزی حتی یک نفر از آنها باقی بماند مبارزه را ادامه دهد. اکثر رهبران، کادرها و اعضاء سازمان انقلابی ما در زندانها و زیر شکنجه ها مقاومت کردند و هیچگاه پرچم سازمان را بر زمین نگذاشتند. رفقای از ما چون آذرهوشنگ توکلی و بهرام، مام دژ فردرچین انجام وظیفه ای سازمانی جان خود را فدا کردند. خون شهیدای دیگر ما همچون پرویز واعظ زاده مرجانی و خسرو قاضی شکوه طوافچیان، وفا جاسمی، گریسوز برومند، محمد تقی سلیمانی لوسانی و بشیر خسروی راه ما را گلگون ساخته اند. مبارزه ما با دشمن، تنها مبارزات رودر رو نبود بلکه رژیم شاه و فرصت طلبان کمیته مرکزی به اشکال گوناگون تلاش میکردند تا جاسوسان خود را بدون سازمان ما روانه دارند. یک مورد بسیار مهم که برای کل جنبش از جمله سازمان ما گران تمام شد قضیه سیروس نهاوندی این خائن و جاسوس بزرگ ساواک است. نهاوندی بر اثر عدم هوشیاری رفقای ما توانست پس از فرار ساختگی از زندان بعنوان رهبر "سازمان آزادیبخش خلقهای ایران" با سازمان ما ارتباط برقرار کند و اعتماد رفقای مسئول ما را که سابقه آشنائی قبلی با او را داشتند جلب نماید. او به سازمان ما و سایر سازمانهای سیاسی که در ارتباط با او قرار گرفته بودند ضربه سنگینی وارد آورد. شهادت ۶ تن از اعضای رهبری و کادرهای بالای سازمان ما بر افعال پلتهای جنایتکارانه ای اوصورت گرفت و در این جریان عده دیگری از رفقای ما دستگیر شدند.

انقلاب پیروز مندمافق نوینی را در برابر کلیه انقلابیون ایران باز نموده است. مرحله فعلی مرحله حساسی است که کلیه طبقات و اقشار خلقی، کلیه ملیتهای ایران و کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی را خواهد آزمود. وحدت ما غا من پیروزی ما است.

سریبر، ری بپ نام شهرسیر شده اند. بالاخره پس از آمدن هیات اعزامی از تهران در دوم فروردین مذاکرات شروع شد. این مذاکرات با وجود پیروزی اوضاع به جلوگیری و آیت الله طالقانی در یک اجتماع باشکوه که از طرف

بقیه: اعتلا جنبش ...

شوروی در ارتش افغانستان از طریق تربیت عده ای از افسرانی که در روسیه درس می خواندند گسترش یافته بود و در خارج زارتش از طریق دو حزب وابسته به روس - "خلق" و "پرچم" بسط داده می شد. پس از اخراج عده ای از عمال روس از کابینه دولت داود خان، فعالیت روسها برای کودتای و برگماری یک رژیم کاملاً وابسته بخود تشدید شد. چه داود خان تعداد مستشاران روسی را به ۲۰۰ نفر کاهش داده، مذاکره با پاکستان را برای حل اختلافات مرزی شروع کرده و با رژیم شاه و ملک خالد نزدیک شده بود. اینگونه اقدامات هم متضاد با منافع شوروی بوده و هم نفوذ امپریالیسم آمریکا

در افغانستان را تقویت می کرده. از اینرو کودتا را در دستور کار روزها قرار داد. چند ماه قبل از کودتای تره کی برای تدارک آن امپریالیستهای روسی دو حزب دست نشاندهی خود یعنی "پرچم" و "خلق" را زیر نظر الکساندر پوسانو سفیر شوروی در افغانستان "وحدت" داده و حزب دموکراتیک خلق بریاست نور محمد تره کی را برپا ساختند. هر چند داود خان با مطلع شدن از احتمال وقوع کودتا، اقدام بدستگیری مخالفین خود کرده و تره کی و معاونین او را بزنسدان انداخت و حتی یکروز قبل از کودتا در کابینه خود طرح تصفیه عناصر روسی در ارتش را ریخت اما تدارک کودتا با همکاری مستقیم سفیر روس و دستگاه جاسوسی شوروی (ک.گ.ب) بسیار وسیعتر از آن بود که عقیم بماند. بدین ترتیب در اردیبهشت ۱۳۵۷ کودتای تره کی با انجام رسید.

دولتی که از طریق جنبش کودتای نظامی امپریالیستی بر سر کار آید، طبیعی است که نتواند

این حوادث چند نکته اساسی را بر- جسته میسازند: اولین آنها لزوم شناختن تضادها و تفاوت گذاری میان تضاد های درون خلق و میان خلق و دشمن است. در کردستان امروز تضاد بین امپریالیسم و خلق، بین خود امیر-

به خواستهای اساسی خلقهای افغانستان پاسخ گوید و برای این ملت استقلال کشور، عدم وابستگی و رهائی ملی، آزادی و عدالت اجتماعی، پیشرفت و ترقی جامعه بهمراه آورد. دولت دست نشانده تره کی اکنون با یک جنبش عظیم ملی و خلقی که بیش از ده ایالت و مراکز استان را در بر گرفته و روبروست، این جنبش دارای - اهالتی ملی و مردمی است و اگر چه عناصر ناب و حتی برخی عمال امپریالیسم آمریکا تلاش دارند در رقابت با امپریالیسم شوروی از آن بهره گیرند، اما جریان عمده و بزرگ را جنبش انقلابی توده های خلق علیه رژیم فاشیستی و وابسته تره کی تشکیل میدهد. امپریالیسم روس و عمال آن به این جنبش اصیل برجیب آمریکائی میزنند تا نظریه ورشکسته خود را مبنی بر اینکه "هر آنچه ضد شورویست عامل آمریکاست"، جابجا ندانند و امکان وجود و رشد جنبش سیاسی ملی ضد دو ابر قدرت آمریکا و روسیه را نفی کنند. اما انقلاب خلقهای افغانستان همانند انقلاب اسلامی ایران بار دگر پوچی این ادعا را اثبات نموده است. رژیم کودتائی و وابسته به روسیه در افغانستان در آستانه ورشکستگی کامل قرار دارد. امروز دیگر آشکار گشته است که وعده های امپریالیسم روس و عمال افغانی و ایرانی آن مبنی بر اینکه آنها از افغانستان بهشت زحمتکشانشان خواهند ساخت، پوچ و تو خالی بوده و شوروی برخلاف تبلیغات عمال بومی اش در کشورهای جهان سوم نه تنها "دوست و متحد طبیعی" خلقهای ستمدیده نیست بلکه امپریالیستی ستمگر و خونخوار است که برای حفظ منافع خود به کشتار وسیع خلقها و سرکوب جنبش استقلال طلبانهی آنها دست میزند. تجربه افغانستان یکبار دیگر

دست در دست هم میبندد خود در سایر نقاط ایران در جهت تعمیق انقلاب میکوشند تعمیقی که از جمله به معنای کسب خود مختاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ملتبهی تحت ستم است.

بوضوح نشان داد که کودتای وابسته به شوروی و یا هر راه حل روسی و وابسته دیگر نمی توانست راه چاره ای برای خلقها و ملت در بند باشد. نمونه افغانستان نشان میدهد که راه حل های روسی بجای بهشت زحمتکشانشان جهنم طبقاتی و ملی میسازد، یعنی مملکتی ورشکسته و وابسته با یک رژیم دیکتاتوری فاشیستی ضد خلقی و اینک رژیم تره کی در کمتر از یکسالی که از عمرش میگذرد با چنین جنبش پرتوانی روبرو گشته است و در عین حال موبد آنست که در برابر تجاوزات و جنایات ابر قدرت روس و خیانتهای عمالش به خلقهای جهان، شعله های اعتراض و مقاومت و مبارزه خلقهای در بند زبانه کشیده است، شعله های حق طلبانه ای که نه تنها حاکم سلطه جویانه این ابر قدرت نخواسته و حریص را به آتش کشیده و خاکستر خواهند نمود.

اخبار افغانستان

در دو ماه گذشته در ایالات و شهرهای مختلف افغانستان مبارزات خلقهای دلاور افغانستان بر علیه رژیم تره کی و اربابانش امپریالیسم شوروی افزایش پیدا کرده است. مادر اینجا گوشه ای از این مبارزات را به نقل از "سوم عقرب" نشریهی سازمان دانشجویان افغانستان در خارج کشور درج میکنیم:

* در بدخشان (غنی ترین استان افغانستان از لحاظ معادن و ثروت طبیعی) زد و خوردهای مسلحانه بین رژیم و نیروهای مخالف آن صورت گرفت. در این درگیری ها ضربات سنگینی به نیروهای تره کی وارد آمده است. در میان کشته شدگان رژیم چند جسد روسی نیز کشته لباس نظامی ارتش افغانستان ز را به تن داشته اند، پیدا شده است

از همه افشاکری و مبارزه نموده است. ما اولین سازمان ایرانی بودیم که به خیانت رهبران کرملین نشین شوروی پی بردیم و قاطعانه و بطور آشکار دست به افشای آن زدیم و از ۱۲ سال پیش شعار "مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا جدا از مبارزه علیه رویونیسم شوروی نیست" را مطرح کردیم. در طول این سالها ما بطور مستمر خطرا امپریالیسم شوروی را برای انقلاب ایران طرح کرده ایم و اینک با این واقعیت مواجهیم که این مبارزه ما و دیگر نیروهای استقلال خواه باعث رشد آگاهی مردم نسبت به ماهیت شوروی و خطر آن شده و شعار "نه آمریکا، نه روسیه، ایرانی مستقل و متکی بخود"، بیک شعار عموم خلقی تبدیل شده است. در این مورد هنوز در آغاز راهیم و این مبارزه را باید هر چه وسیع تر و هر چه عمیقتر ادامه دهیم.

در آخر باید گفت ما راه طولانی را طی کرده ایم و فرازونشیبهای

عده ای از مبارزین و اهالی دستگیر و به کابل فرستاده شده اند. * در یکی از شهرهای قندهار کوه شهردار و سه نفر از افراد حکومتی قصد داشته اند در طی مراسمی پرچم ضد ملی حکومت تره کی را برافرازند، توسط اهالی کشته میشوند. دیگر هیچ یک از افراد محلی حکومت تره کی از ترس، جرات برافراشتن پرچم یاره پاره رژیم وابسته را نمیکنند. * در جنگ سختی که بین نیروهای دولتی و مخالفین ارزگان صورت گرفته ۷۰۰ نفر از نیروهای دولتی و ۱۶۰ نفر از مخالفین رژیم کشته شده اند. تعداد کشته ها، وسعت شرکت توده های مردم را در مبارزه علیه رژیم جنایتکار تره کی نشان میدهد.

* در منطقه ای میان ولایت های پیروان و کاپلیسا "جنگ شدیدی بین قوای دولتی و نیروهای مخالف درگرفته و در این جنگ نیروهای دولتی علیه استفساده از سبب های آتشزا و اسلحه های مدرن نتوانستند پیشروی نماید و ضربات سختی را متحمل شدند. بهمین جهت نیروی هوایی رژیم وابسته تره کی

سازمانهای سیاسی را خواهد آزمود. وحدت ما ضامن پیروزی ماست، اوضاع کنونی انقلاب ایران از کلیه نیروهای خلقی و میهنی طلب میکند تا زیر پرچم مبارزه قاطع و همه جانبه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه متحد شوند و انقلاب را تا آخر ادامه دهند. سازمان انقلابی ما با خوشبینی انقلابی به پیشواز پیروزیهای با زهم بیشتر برای مردم و خلقهای ایران می رود و بخاطر گسترش و تحکیم وحدت خلقی و برای ایجاد حزب سیاسی طراز نوین طبقه کارگر بعنوان وظیفه مرکزی خود مبارزه میکند. جهان بیننی سازمان ما، مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون بما حکم میکند که به توده ها اعتماد کنیم، با آنها پیوند فشرده برقرار سازیم و به آنها تکیه نمائیم. آینده از آن توده هاست. آینده ای که بس تابناک است.

به مبارزان منطبق وسیعی دست زده و آنها را با خاک یکسان کرده است. * دولت فدملی تره کی مدتیست کارمندان را مجبور میکند به عضویت حزب وابسته به روس "خلق" در آیند. این عمل که مشابه روش شاه فاشیست در مورد شیت نام در "حزب رستاخیز" ش میباشد با مقاومت شدید کارمندان مواجه شده است. دولت عده ای از کارمندان را اخراج نموده.

* نزدیک به یکسال از عمر رژیم تره کی که با کودتائی روسی به سرکار آمده میگذرد و این یک سال شاهد مبارزه ای دائم از طرف میهن پرستان افغانستان علیه این رژیم و امپریالیسم روسیه بوده است. هر چند رژیم وابسته بیشتر کشتار می کند، با موج پرتوان دیگری از جنبش مقاومت خلقهای دلاور و برادر افغانستان روبرو میگردد.

بقیه از اجتماع حزب..... بکلیه محرومین در سطح کشور بوده و معتقدیم که تامین منابع مالی کافی و وسائل لازم دیگر در این جهت با پیدا ز اولویت خاصی برخوردار گردد.

بقیه: وحدت بزرگ خلق

بله! مقام و اهمیت ویژه هر کدام از این سه اصل هنوز برای برخی از احزاب، سازمانها، گروهها، محافل و افراد مشخص نشده و یاد ر بعضی حالات اختلاف نظر به عمد یا سهو موجود است.

موضع سازمان انقلابی اینست که مبارزه بخاطر استقلال، همه جانبه ی کشور، و در این رابطه مبارزه بخاطر قطع نفوذ دو ابر - قدرت آمریکا و روسیه از اهمیت درجه اولی برخوردار بوده و در شرایط کنونی عمده است. بدون مبارزه بخاطر استقلال همه جانبه کشور، تا مین آزادی و عدالت اجتماعی غیر ممکن است. از طرف دیگر اگر مبارزه بخاطر آزادی و عدالت اجتماعی در خدمت تحکیم و پیشبرد مبارزه بخاطر استقلال مان نباشد و یا در چنان ابعادی صورت گیرد که به این مبارزه لطمه بزند تنها به تعمیق و ادامه ی انقلاب در ایران کمک نمیکند بلکه عملاً زمینه را برای اخلاص گریه های دشمنان خلق یعنی امپریالیستها و عمال آنها و مرتجعین فراهم میسازد. از عمده بودن مبارزه بخاطر استقلال طبعاً نمیتوان به این نتیجه رسید که سرخواستهای مردم در جهت آزادی و یا خواسته های زحمتکشان در جهت تا مین عدالت اجتماعی باید قلم بطلان کشید. این مبارزات همانطور که در بالا گفتیم جزو سه اصل خلق اند و بدون کوچکترین تردیدی باید به آنها نیز پرداخت. منتها در شرایط کنونی جنبه عمده نداشته و تبعی اند. اینها هستند محتوای انقلاب کنونی و مناسبات آنها با هم حال که محتوای تعمیق و ادامه ی انقلاب فدا امپریالیستی و دمکراتیک کشور مان معین شد به بینیم مدافعین و مخالفین این محتوا چه کسانی هستند؟ بدون هیچگونه تردیدی اکثریت عظیم خلق و نیروهای سیاسی ملی و مترقی با ادامه ی پیروزمند انقلاب در سه زمینه ی فوق و با توجه به اهمیت هر کدام موافق بوده و از شمات انقلاب در این زمینه ها دفاع میکنند. امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب اخیر ایران نیز از مدافعین ثابت قدم این سه اصل خلق میباشد و بخاطر تحقق آنها بطور مداوم از مردم میخواهد وحدت خود را حفظ کنند. هر رژیم سیاسی، هر دولت آینه شده و هر قانون اساسی که در آینه شده بتصویب خلق برسد فقط در چارچوب تحقق سه اصل خلق و حل درست مناسبات بین آنها قابل قبول خواهد بود. بنا بر این جمهوری اسلامی که بزودی مردم ایران نظر خودشان را راجع به آن خواهند داد، نمیتواند نسبت به این مسایل بی اعتنا بماند. و هیچ دلیل عینی هم وجود ندارد که خلاف این امر را ثابت کند.

اما می بینیم که در میان تعداد قلیلی از نیروهای سیاسی هستند نیروها شکی که تجزیه و تحلیل درستی از تضادهای اساسی موجود در جامعه ندارند و یا علیرغم تحلیلها در اتخاذ سیاستها و روشهای مشخص و صحیح حل این تضادها عاجز اند.

چند مثال در این مورد میزنیم:

۱- عده ای هستند که موضع سستی در رابطه با اهمیت مبارزات ضد امپریالیستی دارند. آنها تا به آنجا پیش رفته اند که روسیه - سوسیال - امپریالیستی را بعنوان دوست مردم ایران جا میزنند و بسا تکیه بیکجانبه روی خطر آمریکا چون کودکی "معصوم" در بغل دیسو بدسیرت شمال بخواب "خوشی" فرورفته اند و شاید هم فکر میکنند که "زیرکانه" از "امکانات دیو" میتوانند برفع خود بهره برداری کنند.

۲- جریانات فکری دیگری هست که مبارزات دمکراتیک را آنچنان عمده کرده اند که یادشان رفته است که مردم ما بیش از ۲۰۰ سال در زیر فشار و استثمار استعمارگران و امپریالیستها صدمات بیحد و حسابی دیده، و خونهای فراوانی پرداخته و زجرها کشیده است. این جریانات فکری را از یک سو بطور زیرکانه ای رویونیستها و وابسته به شوروی از زیر هدایت میکنند تا مردم متوجه خطر ابر قدرت شوروی بمثابه امپریالیسم نواخته و هار نشوند و از سوی دیگر عوامل وابسته به امپریالیسم آمریکا و با زماندگان رژیم سابق دامن میزنند که قصد تضعیف انقلاب و منحرف ساختن افکار از خطر امپریالیسم و ایسادی

بقیه: اول ماه مه

برگزاری شکوهمند و موفق این روز در گرو شرکت وسیع و متحد کارگران میهن، صرف نظر از تعلقات مختلف ایدئولوژیکی خود است. با توجه به این امر و با توجه به خواست کارگران جهت تعیین روزی ویژه برای کارگران ایران، ما خواهان آنیم که با مشورت و تبادل نظر میان نیروهای ملی و کارگران میهن روز دیگری بجز اول ماه مه، بعنوان روز کارگران ایران تعیین شود تا همگی کارگران در آن شرکت جویند و بدینوسیله گامی در جهت ایجاد وحدت کلمه و عمل در میان کارگران ایران در خدمت مبارزه مشترکشان بر علیه امپریالیسم برداشته شود. و وضع مشابهی مانند عدم شرکت وسیع زنان در مراسم روز زن (۸ مارس، ۱۷ اسفند) به پیش نیاید.

روز اول ماه مه راهم میتوان بعنوان روز همبستگی با کارگران جهان حفظ نمود. ما تعیین دقیق روز کارگران ایران را به نظر خواهی از کلیه ی نیروهای میهن پرست و کارگران مبارز ایران محول میکنیم سازمان ما برای تدارک برگزاری این روز از همه ی کارگران و میهن پرستان دعوت میکند که تا با مشورت و همکاری با یکدیگر برنامه های وسیع و شکوهمند را در سراسر ایران برگزار نمائیم. ما هم بنوبه خود فعالیت در زمینه های زیر را آغاز کرده و شمارا به همکاری دعوت میکنیم:

- * کمیته های برگزاری روز اول ماه مه را در کارخانه ها و محله های خود بوجود آوریم.
 - * شعارهای پانزده گانه ی فوق را بر دیوارها و در اعلامیه ها بنویسیم.
 - * سازمان انقلابی، بلاکارتها یی بمناسبت این روز چاپ و منتشر خواهد کرد. آنها را از ما بخواهید و بخش کنید.
 - * از کلیه ی کارگران و مبارزین که مایل به همکاری با ما هستند دعوت میکنیم که برای برگزاری این روز با ما تماس بگیرند.
 - * کلیه ی هنرمندان ملی خلق میتوانند از هم اکنون برنامه های هنری مختلفی را برای این روز در نظر گرفته و با ما تماس گیرند.
- برگزاری موفق این روز در گرو شرکت وسیع و شکوفا ساختن ابتکارات همگان بویژه کارگران است. باید تدارک این روز را با مشورت و همکاری یکدیگر جلو ببریم، از اینرو ما را از نظراتتان مطلع کنید تا روز اول ماه مه را با شکوه هر چه بیشتر برگزار کنیم!

بقیه: امپریالیسم آمریکا

گوشه ای از فعالیتهای ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا و عمال آن عبارتند از:

۱) سازماندهی مجدد عناصر ساواک از طریق سازمان جاسوسی خود "سیا" در ایران و تدارک ایجاد یک شبکه بزرگ جاسوسی آمریکا با تکیه به آنان.

۲) گشتن پاسداران انقلاب و مبارزین توسط گروههای سازمان یافته ساواک و خاشنین. در نتیجه تضعیف نیروهای انقلاب و ایجاد در عیب و وحشت در میان توده های مردم.

۳) شایعه پراکنی وسیع و وارد ساختن اتهامات واهی بر علیه جنبش با مید آنکه توده های مردم را به جنبش انقلابی میهنان بدبین نموده و آنرا ضربه پذیر کند.

۴) استفاده از ناراضیاتی اقشار میانی و کمبوده ها برای ایجاد جنبش اعتراضی بر علیه دولت موقت و رهبران انقلاب اسلامی میهن ما امام خمینی، در نتیجه تضعیف رهبری، دولت و وجود آوردن هرج و مرج.

۵) تلاش برای وارد کردن عناصر وابسته خود در مشاغل حساس دولت.

بقیه: رفاه کارگران

رسیدگی دولت بوضع خود شدند. در ابتدا کارگران در جلوسوی درب ساختمان اجتماع کرده و رفتند. رفته بداخل سالن انتظار رفتند. وحدودیک ساعتی همانجا سرگردان بودند متاسفانه هیچکس نیا مدکه بوضع آنها رسیدگی نمایید. تصمیم گرفتند که سالن سخنرانی وزارت کار بر روند و در آنجا خودشان صحبت کنند و تصمیم بگیرند.

متاسفانه سالن سخنرانی در هایش قفل بود و در بیرون سالن که آنروز خیلی هم سرد بود اجتماع نمودند. در همین زمان دوتن از نمایندگان وزارت کار به جمع کارگران پیوستند. در ابتدا نماینده کارگران فطلی صحبت نمود و دوخواست زیر را مطرح ساخت.

- ۱- رسیدگی و بکارگماردن فوری کارگران فطلی.
- ۲- دادن حقوق مدت بیکاری که مدت چهار ماه است شرکتهای ساختمانی از پرداخت آن خودداری مینمایند.
- نماینده وزارت کار با این دو خواست موافقت نمود و با آنها گفت چون آقای وزیر به آرامگاه دکتر مصدق رفته اند فردا مراجعه کنند تا تاتیب کارشان داده شود. که

دانشجوی دیگری در رد نظرات وزیر مشاور و اینکه اصولاً این وزیر مشاور چگونه انتخاب شده، آیا از میان کارگران و برای دمو - کراتیک آنها انتخاب شده یا اینکه انتصاب وزیر است، صحبت نمود. و در این میان تعداد زیادی از کارگران سالن را ترک کردند و بقیه بحث بر روی ایجاد سندیکسا و انتخاب مشاور وزیر بود.

چنانکه از گزارشات فوق دیدیم میشود، کارگران شرکت کننده در این اجتماعات را میتوان به چهار دسته تقسیم کرد: کارگران شاغل که چندین ماه است مزد نگرفته اند کارگران اخراجی، کارگران فطلی و کارگران بیکار.

سرما یه داران و وابسته میکوشند که با رب حوان صنایع وابسته به بیگانه های خود را به دوش کارگران بیاندازند. به عده ای مزد نداده اند و عده بیشتری را از کار اخراج کرده اند این فشار و تفضیقات بسرودش کارگرانی قرار گرفته است که در صفوف میلیونی و با اعتصابات یک پارچه خود نقش بس بزرگی را در سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم سابق داشته اند.

به امپریالیسم آمریکا و با زمان تمدن سابق در من میزنده شده تصدیف انقلاب و منحرف ساختن افکار از خطر امپریالیسم و ایسادی آن در ایران را دارند .
۳- افراد دیگری هستند که بظاهر تحت عنوان دفاع از زحمتکشان به مخالفت با دولت موقت برخاسته اند و آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تاثیر افغانی های " چپ " بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم روس قرار گرفته و با برجسب فدا انقلابی زدن به بورژوازی ملی داد و فریاد و امصیبتا براه انداخته و ظاهرا " برای کارگران سینه چاک میدهند .

از اینرو ایجاد وحدت بزرگ خلق از یک جریان مبارزه با انحرافات گوناگون در سه زمینه فوق میگردد . بویژه انحراف در امر کبیسر مبارزه علیه امپریالیسم ، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و برای کسب کامل استقلال ملی . وحدت بزرگ خلق وحدتی ملی است و تنها با مبارزه ای قاطع و طولانی با عناصر و سیاستهای سازشکارانه در مقابل این یا آن امپریالیست است که میتوان از آن پاسداری کرد .

بقیه: دخالت های آشکار

این فعالیتها ، سالهاست ادامه دارد و در تمام پروژه های باصطلاح کمکی روس ها این نوع فعالیتها در طی سالهای گذشته بچشم میخورد . ساواک این سازمان منحل شده جنایتکار رژیم سابق تا حدودی از کسب و کیف این فعالیتها اطلاع داشته است . اما از آنجا که این سازمان جهنمی ساخته و پرداخته امپریالیستها و برای خیانت بملت و میهن - مابوده است و تعدادی از گردانندگان آنرا نیز از اعضای قدیمی حزب توده تشکیل میدادند ، سروصدای آنها را در نمیآورد . توجه به این فعالیتها بطور جدی و فوری دارای اهمیت حیاتی است زیرا باید بخاطر داشت که ایران مرکز فعالیت جاسوسی روس ها در منطقه ی آسیای جنوب غربی در مقابل امپریالیستهای غربی بوده است .

از کلیه ی هموطنان خود میخواهیم در مقابل توطئه های دوا بر - قدرت آمریکا و روس حساس بوده و اخبار دسیسه های آنها را به "رنجبر" بفرستند .

توجه

انتشار "رنجبر" همانند کلیه فعالیتهای دیگر سازمان انقلابی بدون اتکاء به توده های خلق امکان پذیر نیست و اتکاء بخلق برای رفع مشکلات و ادامه ی انقلاب همیشه از اصول اساسی سازمان مابوده است . هم اکنون انتشار "رنجبر" بکلی مشکلاتی در زمینه تهیه یک چاپ - خانگی مستقل و محل دفتر کار روبرو است . سازمان ما برای انجام امور انتشاراتی خود در پی تهیه این

آدرس موقت:
تهران امیریه جنب انتظام
جنب آرایشگاه پلاک ۸۷۹
کتابفروشی

وابسته خود در مشاغل حساس دولتی .
برای مقابله با این توطئه ها و تحقیق انقلاب باید :
اولا : هوشیاری خود را نسبت به فعالیت های امپریالیسم بالا برده و در دام توطئه ها و تحریکات آنها نیفتاد .
ثانیا : امر سرکوب ضد انقلاب را محکم در دست گرفت . تصفیه تمام مراکز اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و نظامی از وجود عناصر خود فروخته ساواک و مرتجعین وابسته به امپریالیسم مسئله ی بسیار مهم و حیاتی است که باید با قاطعیت هر چه تمامتر به پیش برده شود .

ثالثا : برای خنثی کردن این توطئه ها ، به کار سیاسی افشاگران گسترده ای در بین توده های وسیع خلق پرداخت و آنان را هر چه بیشتر برای ادامه امر انقلاب تا به آخر متحد و مشکل ساخت .
رابعا : برای از میان برداشتن وابستگی های سیاسی ، نظامی اقتصادی و فرهنگی کشور ما به امپریالیسم آمریکا مبارزه همه جانبه ای را بجلو برد .



بقیه: مزار شهدا

خلق جان فدا کرد . دوست دیگری میگفت روزی در خیابان ، آن زمان که تا کسی ها دونفر را با خرد کردن یک گرایه سوار نمی کردند ، من بیکی از راننده ها فحش دادم و به تقی گفتم تومی خواهی به اینها کمک کنی؟ و تقی برآشفته گفت ، باید با اینها کمک کرد ، اینها هم زیرستم هستند و ناآگاهانه این کار را میکنند .
عصراست و بازمی گردیم . هنوز خانواده های شهدا ، جوانان میهن پرست ، هم بنندان گذشته و .. به زیارت آرامگاه شهدای آیند برآستی همگی از داشتن چنین شهزندان زور میهن خود افتخار میکنند و این بهار آزادی را مدیون مبارزه و شهادت هزاران نفر چون این شهیدان می دانند . یادشان گرامی و خاطره شان جاودان باد .

تصحیح

در شماره ی قبل سطر زیر از ستون آخر صفحه ۴ (خط ۳۶ از آخر) جا افتاده بود که بدینوسیله تصحیح میشود : " این نتیجه اجتناب ناپذیر خط مشی " .
همچنین صفحه اول ستون چهارم سطر ۷ : " جامه عمل میباشد .

مصدق رفته اند فردا مراجعه کنند تا ترتیب کارشان داده شود . که اکثریت کارگران فطلی موافقت نموده و فقط عده معدودی مخالفت میکردند . کارگر دیگری طرح نمود که ما خواهان سندیکای مستقل برای کارگران فطلی هستیم . نماینده آنها هم آنرا تا شنیدند نمودلی طرح کرد که در درجه اول این دوشسرت باید جامه عمل بیوشد و سندیکا در آینده بوجود خواهد میس آورد . اکثریت کارگران با نقطه نظر کارگران فطلی موافقت و محصل اجتماع را ترک نمودند و آن عده معدود کارگران فطلی هم که دیدند اکثریت رفقایشان در حال رفتن هستند با آنها پیوستند .

در این اجتماع حدود ۵۰ نفر از کارگران فنی اخراجی و بیکار و حدود ۵۰ نفر دانشجویان باقی ماندند . اینان مشکلات خود را از نظر اقتصادی در این چند ماه طرح نمودند و خواستار برگرداندن فوری سرکار و پرداخت حقوق مدت بیکاری بودند و دلایلشان این بوده که در این مدت بیکاری مقدار زیادی بد هکار شده اند ، اجاره خانه را پرداخت نکرده اند ، کارگری طرح میکرد که دیگر نمیدانند از چه کسی قرض کنند و شکم زن و بچه اش را که از دیشب تا کنون خالیست پر نماید و اگر سر بیکارشان رسیدگی نشود از گرسنگی خواهند مرد و یا مجبور به دزدی و کارهای خلاف شوع خواهند شد . تمام صحبت کارگران در حصول مسائل اقتصادی میگشت . در این زمان یکی از دانشجویان به دفاع از کارگران صحبت نمود . این دانشجو صحبت خود را از ایجاد سندیکای واقعی برای کارگران - بوجود آوردن محلی برای اجتماع کارگران که بتوانند در آنجا اجتماع کرده و مسائل خود را طرح نمایند و در پایان هم از اجداف کارفرما بر کارگران صحبت نمود . در این میان مشاور وزیر قول داد که هر چه زود تر به وضع کارگران رسیدگی میشود و در این مورد پیشنها د نمود که از میان کارگران هر بخش یک یا دو نفر انتخاب شوند که همین امشب برای برنامه ریزی اقدام نمایند . در ابتدا مورد موافقت کارگران واقع گردید .

امپریالیسم سابق داشته اند بروشنی دو مسئله اساسی در اینجا وجود دارد :
۱- بریدن وابستگی این صنایع به امپریالیسم و تبدیل صنایع برنامه ای آنها به صنایعی ملی و متکی به مواد اولیه داخلی . تصفیه مدیریت وابسته به بیگانه .
۲- بر آوردن خواسته های معیشتی رفاه و حقوق دمکراتیک کارگران برای تقویت نیروهای تولید ملی . چه انسان اساسی ترین عامل در نیروهای تولید است .
حفظ و ادامه ی وابستگی این صنایع به امپریالیسم و جلوگیری کار آنها با استعمار و بی حقوقی شدید کارگران یک راه است و نسو سازی این صنایع بر اساس ملی و عدالت اجتماعی به نفع زحمتکشان راهی دیگر ، یا سخ ملت و کارگران برای برگزیدن یکی از این دو راه روشن است . راه ملی و راه رفاه زحمتکشان تنها مسیر صحیح رشد صنایع میهن ما و رفاه خلق است . در آخرین نکته ی مهم را باید متذکر شد و آن لزوم تفاوت گذاری میان سرمایه داری ملی و سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است . این تفاوت لزوما بر خورد متفاوتی را در مورد مسائل معیشتی کارگران کارخانجاتی که متعلق به بورژوازی ملی است به پیش میآورد . سرمایه داری ملی بخشی از نیروهای خلق است و کارگران با سرمایه داران ملی منافع مشترکی در کوتاه کردن دست امپریالیستها از کشور دارند . البته این بمعنای کناره گذاشتن خواسته های معیشتی و رفاه کارگران این کارخانجات نیست بلکه مسئله تنظیم عادلانه روابط متقابل این دو طبقه است ، تا هم جبهه ی وسیع ضد امپریالیستی خلق متحد باقی بماند و هم منافع معیشتی کارگران تامین شود . ما این مسئله را مطلقا در شماره های آینده ی "رنجبر" توضیح خواهیم داد . بویژه سیاست فطلی احزاب و گروههای وابسته به بیگانه در این زمینه را که از خواسته های بحق معیشتی کارگران سو استفاده کرده و از این خواسته های تفرقه اندازی در صفوف متحدان امپریالیستی خلق بهره میجوید .

رفاه کارگران ونوسازی ملی

بحران عمومی صنایع مونتاز و وابسته به امپریالیسم در چندساله اخیر، اعتبارات عمومی شماهد گذشته بویژه در گمرک، اعتبارات سیاسی بیکارچه کارگری برای سرنگونی رژیم سابق و بالاخره توطئه و کارشکنی امپریالیستها و وابستگان بومی آنها در صنایع کشور، دست بدست هم داده و وضع معیشتی ناگوار را برای صدها هزار نفر از کارگران شریف و مبارز میهن بیار آورده است. دوگزارش زیر که در باره ی اجتماعات کارگران آخراچی و بیکارتهیه شده، نمایانگر گوشه ای از این وضع است:

اجتماع کارگران کارخانه وزنه
 حدود ۵۰ نفر از کارگران شرکت وزنه (جرشقیل سازی ونصب جرشقیل)، در روز شنبه ۵۷/۱۲/۱۹ در وزارت کار اجتماع کردند. حدود سه ماه

است که حقوق آنها پرداخت نشده اکثر متاهل هستند و شدیداً تحت فشار اقتصادی. عده ای از آنها راه کارفرما اخراج کرده که خواستار استخدام مجدد میباشند. کارگری گفت که آخرین پسس اندازش را که ۳۰۰ تومان بوده است هفته ی پیش از بانک گرفته و الان دیگر پولی ندارد. سه ماه است که اجاره خانه اش عقب افتاده و صاحب خانه او را تهدید کرده است. اگر وزارت کار به کارفرما فوراً رسیدگی ننماید معلوم نیست تکلیف من و خانواده ام چه میشود. کارگردیگری گفت: اینهمه برادرانمان شهید شدند که ظلم را از بین ببریم، اگر لازم باشد گذشته می شویم ولی حقمان را خواهیم گرفت.

کارگردیگری گفت که قبلاً در ملایر بوده، در آنجا زندگی ای

اجتماع حزب جمهوری اسلامی

روز دوم فروردین ماه میتینگ بزرگ حزب جمهوری اسلامی در میدان آزادی برگزار شد و قطعنامه ای را در ۱۲ نکته بتصویب رساند. این قطعنامه بر همبستگی ملت ایران بمنظور پیشبرد انقلاب اسلامی و ادامه آن تا پیروزی کامل بدون لحظه ای وقفه و رکود تاکید کرده و اعلام نمود که جمهوری اسلامی برهبری امام خمینی بزرگترین تضمین تداوم انقلاب خداستدای وضد امپریالیستی ملت ایران است.

حزب جمهوری اسلامی خواستار تعقیب و مجازات کلیه عناصر ضد انقلابی، مفسدین و شکنجه گران، غارتگران و بیس مانده های نظام طاغوتی و کلیه نوکران بیگانگه گردیده. در زیرنگات دیگری از قطعنامه مذکور درج میکنیم:

"احیاء کشاورزی ملی و کسب بنیانی و اصولی کشاورزان بایسد در مدیریت امی حکومت اسلامی ایران قرار گیرد.

- تامین رفاه کارگران و پرورش استعدادها و خلافت انساننی و حرفه ای آنان و مبارزه با هرگونه استثمار در راه اهداف جنبش اسلامی ایران

قرار دارد.

- ما معتقدیم که بازسازی و تصفیه نیروهای مسلح خواست ملت ایران است، تضعیف قوای مسلح بهیچوجه بصلاح انقلاب اسلامی ایران نیست.

- ما معتقدیم که امپریالیسم و ارتجاع از بزرگترین دشمنان انقلاب اسلامی ایران هستند و مبارزه با آنان تا سرکوب نهائی و قطعی آنها بایدا ادامه یابد.

- ما حمایت تزلزل ناپذیر خود را از جنبشهای آزادیخواهان، استقلال طلبانه و خداستعماری خلقهای مستضعف جهان خصوصاً مسلمانان و در رأس آن از جنبش شجاعانه خلق قهرمان فلسطین اعلام میداریم.

- ما قرارداد تسلیم طلبانه مصر و اسرائیل را خیانت بارمان فلسطین که آرمان راستین همه مسلمانان است دانسته و آنرا بشدت محکوم میکنیم.

- در محنه بین المللی، بیروی و حمایت خود را از اصول بیطرفی وعدم تعهد اعلام داشته و بهمکاری همه جانبه بین الملل مسلمان در سراسر عالم اعتقاد را سخ داریم.

- ما خواستار اقدامات رفاهی نسبت بقیه در صفحه ۲

بر هزار شهیدان

هفته ی گذشته آرامگاه ۳۰۰ نفر از شهدای خلق در بهشت زهرا کشف و شناسائی شد. اینها زندانیان سیاسی میهن پرست و قهرمانانی بودند که همگی در زیر شکنجه های ساواک و در دفاع از ایمان و آرمانهای خویش مقاومت کردند، لب بسر نگشودند و قهرمانان شهید شدند.

به برکت مبارزات حماسه آفرین ملت که منجر به سرنگونی رژیم منفور شاه شد اسناد و مدارک ساواک که محل دفن شهیدان را مشخص میکرد بدست آمد. و در این بهار آزادی آرامگاه آنان زیارت گاه تمام میهن پرستان شده است. قبرهایی که از یکسان نشاندای از جنایات رژیم سابقند و از سوی دیگر شهادتی است بر دلآوری خلق قهرمان ما.

آرامگاه این ۳۰۰ شهید در قطعات ۳۹ و ۳۳ بهشت زهرا قرار دارد در جایی مشهور به آرامگاه گمنام که محل دفن افراد بی نام و نشان و بی پول بوده است که کس و کاری نداشته اند و رژیم از ترس اینکه قبر شهدا محل زیارتگاه مردم ستمکش شود، زندانیان سیاسی را بانام "گمنام" بخاک میسپرد. بعد از اعلام محل دفن ۳۰۰ شهید هزاران نفر از خانواده ها و مردم بر سر مزار عزیزان خود میروند، خانواده های آلا پوشها، رضائیها، احمدزاده ها و تقی سلیمانسی گرسبوز برومند، واعظ زاده و صفائی و دیگر شهدای خلق مراسم کوچک بپا میکنند.

سازمانهای مختلف و خانواده سنگ بر روی مزار عزیزان خود گذاشته و تاج های گل باین محل سرازیر میشود، همه چهره ها آشنا هستند و همه آنها در جلوی زندانیهای قمر و اوین و در مبارزات اخیر مردم در پیشاپیش صف بودند. در کنار مزار شهید تقی سلیمانسی از اعضا سازمان انقلابی مادر قهرمان این شهید را می بینیم.

چهره مبارزاتی مادر برای همه خانواده های زندانیان سیاسی چهره های آشناست. و بارها و بارها در جلوی زندانها مزدوران رژیم

داشته ولی شهرداری آنجا خانه اش را از او گرفته و او را بخاک سیاه نشانده است. او هم برای کار کردن به تهران آمده است و مدت هشت سال است که جو شکاری میکند و ۱۶ ماه است که برای شرکت فوق کار میکند و حدود سه ماه است از کار اخراج شده اند. علتش این بوده که کارگران را تشویق به دفاع از امام میکرد و طبق دستور امام اعتبار براه انداخته بودند.

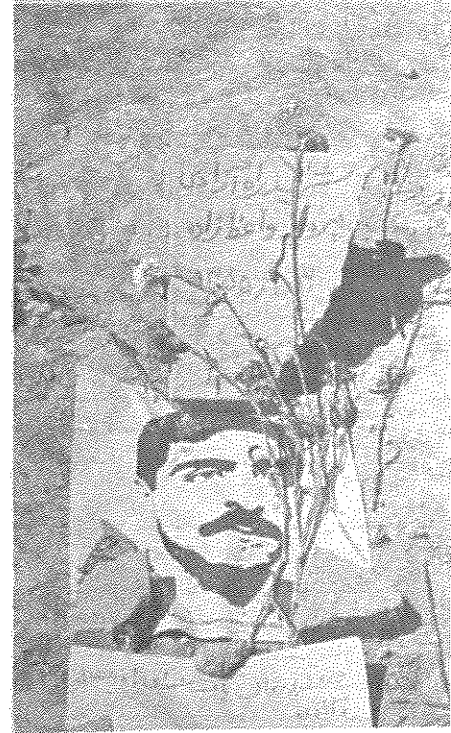
یکی از کارگران گفت: اگر یکی از جرشقیل ها را کارفرما بفروشد ۴۰۰ - ۸۰۰ هزار تومان پول میشود که با آن میتواند حقوق تمام کارگران را پرداخت نماید و مقداری هم برای خودش میماند. دو نفر از کارگران که حدود ۶ - ۷ کلاس سواد دارند و بقیه کارگرها هم تا حدودی آنها را قبول دارند، میگویند همینجا بمانیم تا حتماً را بگیریم. نماینده کارگران آنها را بد چپی بودن متهم میکند و کلی فحش نثارشان کرد.

یکی از کارگران گفت ۲۱ روز است که دنبال این جریان هستیم باید امروز تکلیفمان روشن شود. در بین کارگران بر سر رفتن و بی ماندن اختلاف می افتد بسیار. ما تصمیم میگیرند که همگی بیکارخانه مراجعه و در آنجا تصمیم بگیرند البته در بین راه آقای نماینده هرچه فحش بلد بودی چپی ها گفت و در ضمن اشاره اش به من و احتمالاً کسان دیگری بود که فاطمی کارگرها بطرف کارخانه میرفتیم. گروه دیگری زکا رگرا را خواجی که مدتیست حقوق دریافت نکرده اند، بسد وزارت کار آمدند. با هر کدام که حرف میزنی، دل پری دارند و همگی از نظر اقتصادی در وضع بدی بسر میبرند که اگر فوراً اقدامی در جهت زندگی شان نشود به گرسنگی و فلاکت نا هنجاری کشیده خواهند شد.

گزارشی از اجتماع کارگران آخراچی و بیکار:

ساعت ۹ روز دوشنبه ۵۷/۱۲/۱۴ حدود ۳۰۰ نفر از کارگران بیکار و آخراچی بهمراه ۵۰ - ۷۰ نفر از دانشجویان در محل وزارت کار اجتماع و خواستار بشیه در صفحه ۲

را با سئوالهای خود عا جز میکرد، و به افشاء توطئه های ساواک می پرداخت، قبر پسرم کجاست؟ پسرم را چرا کشتید؟ مادر برایمان تعریف کرد که شب قبل از دستگیری اعضای سازمان انقلابی در اربیه بهشت ۱۳۵۵ - شام را با آنها خورده و پس از - خارج شدن از خانه، رفقا بوسیله اعمال ساواک دستگیر و به شکنجه گاه اوین برده میشوند، زندانیان سیاسی آزاد شده تعریف میکردند که تقی را پس از دادن شکنجه های زیاد توسط شکنجه گر ساواک آرش به سلول می برند در حدود ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب تقی را از سلول خارج میکنند و تمام سلول او خونی بود که سلولها نگاهبانها تمیز میکنند. زن مبارز دیگری تعریف میکرد که بعد از شکنجه سه رفیق گرسبوز، خسرو و تقی او را به اتاق شکنجه میبرند با او میگویند قبل از توسته نفرزنده اینجا آمدند و مرده بیرون رفتند. حواس خودت را جمع کن، و میگفت بعدها فهمیدم که در آن روز سه نفر از سازمان انقلابی در زیر شکنجه "آرش" شهید شدند. پدر تقی میگفت تکبیه کلام تقی برای این بود که همیشه میگفت "باید در راه بقیه در صفحه ۳



روشنفکران خارج از کشور پر داختیم

درباره سازمان انقلابی

مبارزات از حالت پراکنده خارج شد .

دستاوردهای مهم این مبارزه درون حزبی و ادامه آن پس از ایجاد سازمان در زمینه های مبارزه علیه فرارطلبی و مهاجرتی، مبارزه علیه راه پارلمانی و مسالمت آمیز و مبارزه علیه وابستگی و دنباله روی بود .

رهبری حزب (کمیته مرکزی) درست نقطه مقابل کادرهای انقلابی چون خسرو روزبه که تا باخر ماند و مبارزه کرد و جان بر سر آرمان خود گذاشت ، راه تسلیم طلبی یا فرار بخارج و مهاجرتی را در پیش گرفت ولی سازمان انقلابی ما پس از ایجاد ، با تمام امکانات محدود خود روی ادامه مبارزه در میان مردم و در پیوند با آنها پافشاری نمود . مسأله شرایط سخت تر و روفقان همیشه سهم خود مشعل مبارزه را در داخل کشور علی رغم ضرباتی که بموارد آمد روشن نگه داشتیم . در مقابل راه پارلمانی و شیوه مبارزه مسالمت آمیز کمیته مرکزی حزب توده بنیان گذاران سازمان ابتدا در درون حزب و تدریجاً در بیرون آن به طرد و انتقاد این مشی پرداخته و شعار " انقلاب - قهرآمیز راه رهائی خلقهای ایران است " را مطرح ساختند . این شعار همواره پرچم سازمان ما بوده و ما بخاطر پیاده کردن آن در عمل مبارزه ی پیگیری را

دنبال نموده ایم . ما اولین سازمانی بودیم که بطور آشکار در رابطه با قهر انقلابی چنین موضعی را اتخاذ کردیم و برای پیاده کردن آن در سال ۱۳۴۴ وارد عمل شدیم (شرکت در جنبش مسلحانه جنوب که یکسال در برابر ارتش مزدور شاه به مبارزه ادامه داد) .

ما با تکیه بر مشی انقلابی سازمان به محض با خبر شدن از مبارزه مسلحانه کردستان تحت رهبری کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران (۴۷-۴۶) به پشتیبانی از آن برخاسته و کادرهایی از سازمان را بنا به دعوت کمیته انقلابی برای شرکت در این جنبش گسیل داشتیم . پیوند ما با جنبش کردستان زوارتباط یافتن با انقلابیون کرد علاوه بر تعمیق درک ما از اهمیت مبارزه مسلحانه ی توده های درک ما را از مسئله ملی نیز بالا برد . سازمان ما از آن زمان نه تنها در حرف بلکه در عمل پرچمدار مبارزه به خاطر کسب حقوق ملی کلیشه ای ملیتهای تحت ستم ایران بویژه خلق قهرمان کرد بوده است . این تجارب از نظر عملی نیز ما را

با این نتیجه رساند که بسودن پایه ی توده های و پشتیبانی وسیع توده ها ، جنبش مسلحانه در برابر دشمنانی که موقتا " و بطور نسبی قوی بودند نمی تواند دوام آورد و بخاطر همین تجربیات عملی و درک عمیق ترا ما را که کمیتس لنینیسم بود که وقتی مبارزه مسلحانه ی جدا از توده ها که بنام مبارزات چریکی معروف شد شروع گردید ما با این شیوه مبارزه مخالفست کردیم .

در زمینه دنباله روی و وابستگی ، کمیته مرکزی حزب توده که قبل از کودتای ۲۸ مرداد قادر به درک وضعیت اقتصادی سیاسی ایران نشده بود سیاستهای نادرستی در پیش گرفت که نشانگر این بوده که این حزب با مغز خود نمی اندیشد و پس از فرار

سازمان انقلابی اکنون پس از اسلای متحادی مبارزه مخفی به شکرانده ی پیروزی انقلاب اسلامی ایران که انقلابی ضد امپریالیستی و فداستبدادی تحت رهبری امام خمینی است . مبارزه علنی خود را آغاز میکند . انتشار " رنجبر " (ارگان مرکزی سازمان) جنبه های از این مبارزه علنی است .

سازمان انقلابی بعنوان بخشی از جنبش آگاه کارگری و انقلابی ایران بر اساس تئوری مارکسیستی - لنینیستی و با توجه به تجارب غنی مبارزات جنبشها و انقلابهای خلقهای قهرمان و انقلابی ایران بوجود آمده و شمره ی مبارزه ی طولانی و بیخون اعضا و کادرهای حزب توده ایران علیه ایدئولوژی سیاست و رهبری خیانتکار آن بود . حزب توده که بر اساس سیاستهای اصلاح طلبانه و نه انقلابی یا بصرمدی وجود گذاشت ، بر اثر ایدئولوژی غیر پرولتری ، خط مشی سیاسی انحرافی و تاکتیکیهای فرمت طلبانه ی رهبری آن ، پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد عملاً با شکست مفتضحانه ی روبرو گردید و پس از تسلیم شدن عده ای از رهبران و فرار عده ای - دیگر به خارج بحران بیسابقه ای حزب را فرا گرفت . در این جریان بسیاری از اعضا و کادرها در زندانها و در حالت مخفی بخاطر نجات حزب و نوسازی آن به مبارزه برخاستند . با ایجاد سازمان انقلابی ما در سال ۱۳۴۳ برای اولین بار این

روشنفکران خارج از کشور پر داختیم . در زمینه حل صحیح مناسبات با مبارزین ملی و اسلامی ما از ابتدا سیاست گاملا " روشن و صحیحی را در پیش گرفتیم . هنگامیکه رویزیونیستهای شوروی قیام ملی ۱۵ خرداد ۴۲ را " ارتجاع سیاه " خوانده و آنرا محکوم کردند و از شاه پشتیبانی کردند و کمیته مرکزی حزب توده نیز بدنبال سه روی از مسکو همین موضع را گرفته رفقای ما که خود در جریان این قیام شرکت داشتند و از نزدیک شاهد مبارزه قهرمانانه بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه

در مورد مسعود بطحالی عنصر ساواک

طبق اعترافی که مسعود بطحالی از گروه فلسطین (سابق) کرده است او پس از دستگیری و محکومیت در زندان بخدمت ساواک جنایتکار درمیآید . وظایف مشخص محوله به او عبارت بودند از :

* نفوذ در سازمان چریکهای فدائی خلق ، شناسائی افراد این سازمان و حتی فراهم آوردن شرایطی برای اینکه افرادی از اعضای ساواک را تدریجاً به داخل این سازمان بفرستند .

* ایجاد جوسد سازمان انقلابی با اشاعه ی اکاذیب و شایعات به دو منظور : از یکسو بدبین کردن انقلابیون نسبت به سازمان انقلابی و از سوی دیگر پوشاندن خود و محیط فعالیتش .

بطحالی پس از بیرون آمدن از زندان همچنان به این اعمال ضد انقلابی خود ادامه داده و نتیجتاً باعث ضربه زدن به جنبش ، دامن زدن به شایعات و تفرقه افکنی میگردد . او در طول این دوران - مستقیماً تحت نظر و در ارتباط با رسولی ، شکنجه گرم معروف ساواک قرار داشته است . رسولی جنایتکار اکنون زندانی کمیته امام است و کلیه ی اطلاعات در دست اوست که باید هر چه زودتر برای اطلاع عموم مردم انتشار یابد .

بدنبال اطلاعی که مادر زمینه ماهیت فعالیتهای ضد انقلابی و پلیسی بطحالی بدست آوردیم مطلع شدیم که او توسط سازمان چریکهای فدائی خلق بازداشت شده است .



صحنه ای از اجتماع مردم آباد در سوگ رفیق بشیر خسروی (گزارش در رنجبر ۱)